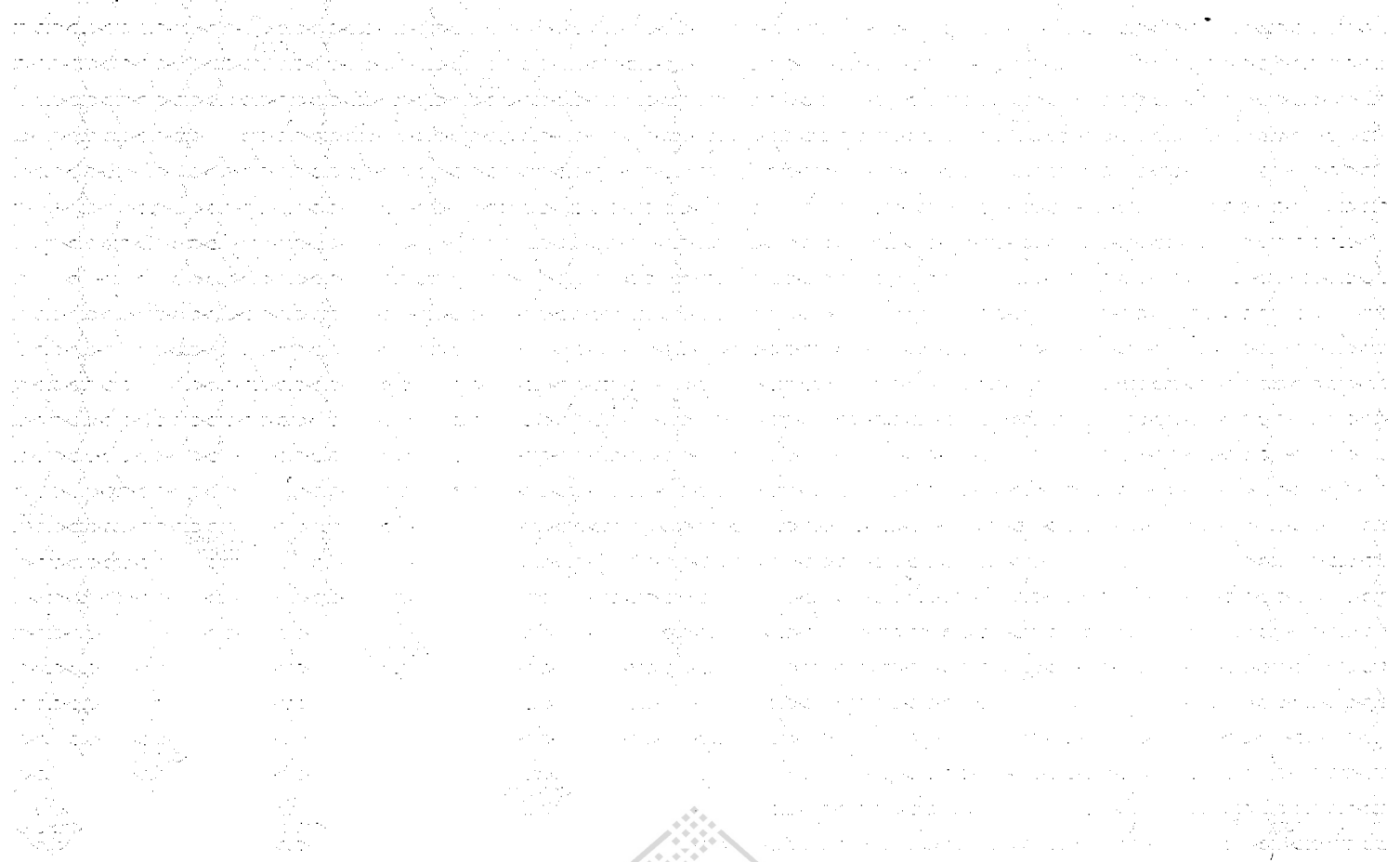




مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

نکته‌ها

در این بخش، نکات مهم و کاربردی برای استفاده از سیستم‌های کامپیوتری در محیط‌های علمی و پژوهشی ارائه شده است. این نکات شامل موارد زیر است:

- 1. **امنیت داده‌ها:** همیشه از داده‌های خود پشتیبان بگیرید و از به‌روزرسانی سیستم‌های امنیتی مطمئن شوید.
- 2. **به‌روزرسانی نرم‌افزار:** نرم‌افزارهای خود را به‌روزرسانی کنید تا از آخرین ویژگی‌ها و امنیتی‌ها بهره‌مند شوید.
- 3. **مدیریت فایل:** از سیستم‌های مدیریت فایل استفاده کنید تا بتوانید فایل‌های خود را به‌راحتی پیدا و مدیریت کنید.
- 4. **مراقبت از سخت‌افزار:** سخت‌افزارهای خود را به‌درستی نگهداری کنید و از خرابی‌های احتمالی جلوگیری کنید.
- 5. **آموزش و تدریس:** از سیستم‌های آموزشی استفاده کنید تا بتوانید دانش خود را به دیگران منتقل کنید.
- 6. **تحقیق و پژوهش:** از سیستم‌های تحقیقاتی استفاده کنید تا بتوانید به‌راحتی به منابع علمی دسترسی داشته باشید.
- 7. **مدیریت منابع:** از سیستم‌های مدیریت منابع استفاده کنید تا بتوانید منابع خود را به‌راحتی مدیریت کنید.
- 8. **مراقبت از سلامت:** از سیستم‌های مراقبت از سلامت استفاده کنید تا بتوانید سلامت خود را به‌راحتی مدیریت کنید.
- 9. **مراقبت از محیط:** از سیستم‌های مراقبت از محیط استفاده کنید تا بتوانید محیط خود را به‌راحتی مدیریت کنید.
- 10. **مراقبت از جامعه:** از سیستم‌های مراقبت از جامعه استفاده کنید تا بتوانید جامعه خود را به‌راحتی مدیریت کنید.

اشارات

الإشارة الأولى هي خاطرة من خواطر أحد تلامذة الشيخ الأنصاري عن الأيام الأخيرة لأستاذه، وفيها تأكيد على أهمية الصلة المعنوية مع أرواح العلماء والاستعانة بها في سبيل التوفيق في المسيرة العلمية. أما الإشارة الثانية فهي حديث المولى إسماعيل الخواجوي مؤلف كتاب الأربعين عن المصاعب التي جابهها عند تأليف كتابه في الظروف المعقدة لهجوم الأفغان على مدينة أصفهان.

وتتضمن الإشارة الثالثة تأكيداً على ضرورة رعاية جانب الإنصاف والأخلاق العلمية خلال عملية التأليف، وأهمية ذلك من جهات مختلفة. ثم تذكر أمثلة على موارد الالتزام برعاية هذه الناحية، وموارد عدم رعايتها أيضاً.

أما الإشارة الرابعة فتتضمن التنبيه على أحد الأخطاء الشائعة في فهرس النسخ الخطية وكتب التراجم والفهرسة، وهي الاشتباه في تعيين أسماء مؤلفي الكتب وما يؤدي إليه من نسبتها إلى آخرين.

أما الاشتباهات الحاصلة حول إطلاق التسميات على كتب لا وجود لها، فهي ما تكفلت الإشارة الخامسة بإيراد بعض نماذجها.

وتؤكد الإشارة السادسة على وجوب سد منافذ ورود المطالب الضعيفة إلى كتب السير والتراجم.

أخيراً، تلفت الإشارة السابعة أنظار القارئ إلى نموذج من الفهم الخاطئ وما أدى إليه من اقتباسات غير دقيقة لبعض الكتاب من كتب معروفة ككتاب الذريعة مثلاً.

چکیده: در نکته اول، با ذکر خاطره‌ای از روزهای پایانی عمر شیخ انصاری از زبان شاگرد وی، به ضرورت پیوند معنوی با ارواح علما و استمداد از آنها جهت توفیق و حصول علم اشاره می‌کند. در نکته دوم، سخن مولى اسماعیل خواجویی نویسنده کتاب اربعین را در خصوص تألیفش در اوضاع دشوار حمله افغان به اصفهان می‌آورد. در نکته سوم ضرورت توجه و رعایت انصاف و اخلاق علمی در تألیف آثار را تذکر می‌دهد، به چند مورد توجه به این مسأله و چند مورد عدم توجه اشاره می‌کند، و رعایت انصاف را از جهات مختلف ضروری می‌شمرد. در نکته چهارم به یکی از اشتباهات رایج در فهرس نسخه‌های خطی و کتب تراجم و کتابشناسی اشاره می‌کند که مربوط به تشخیص مؤلفان کتاب‌ها و نسبت دادن کتاب به غیر مؤلف است. در نکته پنجم با ذکر نمونه‌ای از کتب، به اشتباه‌های صورت گرفته در خصوص اسامی بی‌مسمی و کتاب‌های بدون وجود خارجی اشاره می‌کند. در نکته ششم تأکید می‌کند که نباید مطالب سست در کتب تراجم راه یابد. در نکته هفتم با ذکر نمونه‌ای به مسأله برداشت و نقل نادرست بعضی نویسندگان از کتب معروفی نظیر الذریعه می‌پردازد.

کلیدواژه: انصاری، مرتضی؛ خواجویی، اسماعیل؛ اربعین (کتاب)؛ اخلاق علمی؛ تحقیق؛ نسخه‌های خطی؛ روش نگارش؛

۱. گزارشی از روزهای پایانی عمر شیخ انصاری

آیه الله سید ابوالقاسم دهکردی، شاگرد میرزا حبیب الله رشتی (شاگرد شیخ انصاری) که بایک واسطه شاگرد شیخ است، درباره شیخ در روزهای پایانی عمرش می گوید:

روزی در نجف اشرف، از منزل خود بیرون آمدم به جهت درس. قرب خانه ای که منزل داشتم، مقبره فاضل جواد ملاکتاب بود که صاحب شرح برروضه است، و فرزند جلیل شیخ حسین نجف است. والد و ولد، از اکابر علما و اعظم فقها و از معاریف عباد و زهاد نجف اشرف بودند. و من ایستادم بر در مَجَرّ [ظ پنجره ای] که رو به کوچه است که فاتحه بخوانم و بروم درس. شیخی بود ابرقویی از مجاورین نجف در همسایگی ما بود. گمان کرد که من ایستادم، معطل سقا هستم که آب بخرم، گفت: «معطل آب هستی؟». گفتم «نه؛ می خواهم فاتحه بخوانم و بروم درس». گفت: «من، يك واقعه دارم از این فاتحه خواندن. خوب است به جهت تو بگویم». و همراه من شد، گفت: «وقتی که مرحوم شیخ استاد، آیه الله الباری، الشیخ مرتضی الأنصاری، مریض شد، به همان مرضی که از او مرحوم شدند، ایشان را بردند در یکی از باغ های سهله به جهت تغییر آب و هوا و من در مسجد کوفه بودم، دیدم همین سرکار میرزای رشتی که تو درسش می روی - آن وقت او را میرزا حبیب الله می گفتند، در سنّ شباب بود و بسیار جمیل و با و جاهت بود - آمد با آقا حسن طهرانی و حاجی میرزا ابوالقاسم - صاحب تقریرات - وارد مسجد شدند و هر يك دو رکعت نماز تحیت مسجد خواندند و بیرون رفتند. من فهمیدم عیادت شیخ می روند. من هم همراه آنها رفتم، تا رسیدیم در باغی که مرحوم شیخ آن جا بودند. حضرات ایستادند ملا رحمت الله که مواظب خدمات شیخ بود، رفت استیذان نماید. مرحوم شیخ در اول باغ زیر درخت انجیری، رختخواب ایشان را انداخته [بودند]، مراجعت نمود. با اذن دخول، حضرات تشریف بردند خدمت شیخ. من، چون اوایل تحصیل بود و در عداد آنها شمرده نمی شدم، خود را مشمول اذن ندانسته، در باغ ایستادم. چون در باغ از آن نوع درهائی بود که خلال چوب های او، فرچه بسیار داشت، من دیدم شیخ نشسته در رختخواب، تکیه داده، نماز جعفر طیار می خواندند - بلی عادت آن بزرگوار، این بوده که نماز جعفر طیار و زیارت عاشورا را ترك نمی کردند و در زهد و عبادت، ضرب المثل بودند.

بالجمله گفت: شیخ، تو جّهی به جانب درب باغ فرمودند، دیدند من آن جا ایستاده ام، به ملا رحمت الله فرمودند: «کسی در باغ ایستاده، بگو داخل شود!».

من هم داخل شدم. آقا حسن، يك طرف شیخ نشسته و حاجی میرزا ابوالقاسم، طرف دیگر و حاجی میرزا حبیب الله پایین پای شیخ نشسته و شیخ پای مبارك خود را در دامن حاجی میرزا حبیب الله گذاشتند و فرمودند: پای مرا بمال».

من ملاحظه کردم، دیدم لحاف شیخ چیت کرباس بر و جردی است، يسک وصله هم دارد و دوشک او هم کرباس است و يك وصله هم او دارد و متکای شیخ هم کرباس چیت بر و جردی بود و حشو او لیف خرما بود. خلاصه شیخ به حضرات فرمودند: «اشکال صلات حول کعبه

را دفع نمودید؟». و محلّ درس شیخ، آن وقت، این مسأله بود. حضرات جواب می‌گفتند. من دیدم با این که اعرف تلامذه شیخ به فهم و فضل آقا حسن طهرانی بود، عمده نظر شیخ، به حاجی میرزا حبیب الله است. بعد فرمودند به آنها که: «این، طریق تحصیل نیست! وصیت می‌کنم شما را که اولاً يك آشنایی با خدا پیدا کنید و درست تحصیل نمایید و کار کنید و به قبور علما که می‌رسید فاتحه نخوانده نگذرد. فاتحه به جهت آنها بخوانید و از ارواح آنها استمداد کنید به جهت توفیق و حصول علم خیلی نافع است.»^۱

۲. تألیف کتاب در احوال و اوضاعی سخت و دشوار

مولی اسماعیل خواجه‌ی رحمته (م ۱۱۷۳) کتاب اربعین خود را در زمان حمله افغانه به اصفهان تألیف کرده و در پایان آن چنین می‌گوید:

جمعتها في زمان وألفتها في مكان كانت عيون البصائر فيه كدرة، ودماء المؤمنين المحرّم سفكها بالكتاب والسنة فيه هدرة، وفروج المؤمنات مغصوبة فيه، مملوكة بأيمان الكفرة الفجرة، فآتلهم الله بنبيّه [وآله] الكرام البررة.

وكانت الأموال والأولاد منهوبة فيه مسبيةً مأسورة، وبحار أنواع الظلم مّواجهة فيه متلاطمة، وسحاب الهموم والغوم فيه متلاصقة متراكمة، زمان هرج و مرج، مخرب الآثار، مضطرب الأخبار، محتوي الأخطار، مشوش الأفكار، مختلف الليل، متلون النهار، لا ييسير فيه ذهن ثاقب، ولا يطير فيه فكر صائب.

نمقتها وهذه حالي وذلك قالي، فإن عثرتم فيه بخلّ، أو وقفتم فيه على زلّ فأصلحوه رحمكم الله، إن الله لا يضيع أجر المصلحين.

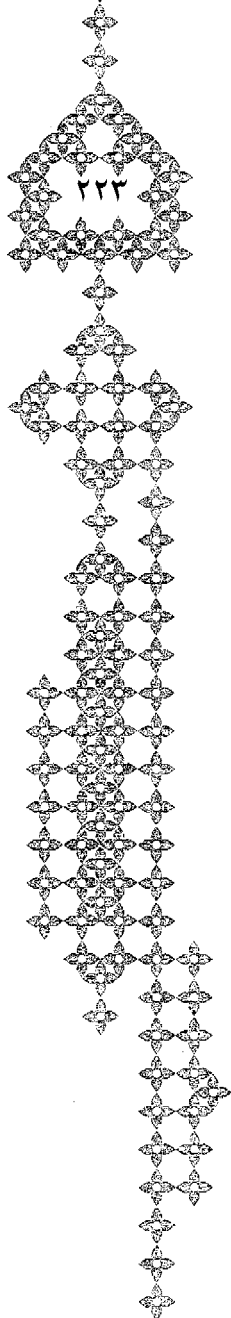
۳. رعایت انصاف و اخلاق علمی

اخلاق علمی و انصاف اقتضای کند از کسانی که در پدید آمدن کتابی نقش برجسته و مؤثری داشته‌اند، به نحو شایسته‌ای در مقدمه، شناسنامه یا صفحه عنوان آن کتاب، یاد شود. البته گاهی توقعات بیجایی در این زمینه‌ها هست که آن خارج از بحث ماست.

همه می‌دانیم که مرحوم آیه الله خویی رحمته (م ۱۴۱۳) در تألیف معجم رجال الحديث دستیاران و همکاران فاضلی داشتند که بدون مساعدت و همراهی آنان، این کار به فرجام نمی‌رسید، هر چند نقش اصلی از خود آن بزرگوار بود و همراهی همکاران، چیزی از ارزش علمی کتاب یا مؤلف نمی‌کاست.

در مقدمه چاپ‌های اولیه جلد اول معجم رجال الحديث به قلم فاضل گرانمایه آیه الله سید مرتضی حکمی (شاگرد و داماد مرحوم آیه الله خویی)، نام عده‌ای از همکاران فراهم‌سازی معجم

۱. منبر الوسيلة، ج ۱، ص ۵۲۸-۵۲۹. ج ۱۳۸۲ ش. چاپ سنگی. ص ۳۸۵-۳۸۷.



رجال الحديث همراہ بانقش آنان، بدین شرح یاد شدہ است :

وقد أنيط أمر هذا السفر الجليل - بعد إعداده - إلى جملة من الأفاضل لتعمل على :

(أ) تنظيم المتفرقات من الرواة ؛

(ب) التأكد من سلامة النقل و ملاحظة الأرقام ؛

(ج) تنظيم الارجاعات الكاشفة في الأسماء المترابطة ؛

(د) ملاحظة التنسيق والإخراج ؛

(هـ) الاستنساخ ؛

(و) مقابلة الاستنساخ ؛

(ز) الإشراف على التصحيح .

لجنة الضبط والتصحيح

١- الشيخ محمد المظفری : لتنظيم المتفرقات من الرواة ؛

٢- الشيخ حيدر علي هاشميان : لتنظيم المتفرقات من الرواة ؛

٣- الشيخ يحيى الأراكى : للتأكد من سلامة النقل و ملاحظة الأرقام ؛

٤- السيد مرتضى النخجوانى : للإستنساخ ؛

٥- السيد عبدالعزیز الطباطبائی : للتصحيح ؛

٦- السيد جواد گلپایگانی : للإشراف على التصحيح ؛

٧- الشيخ محمد كاظم الخوانساري : لتدقيق التصحيح ؛

٨- الشيخ فخر الدين الزنجاني : لمقابلة الاستنساخ ؛

٩- الشيخ محمد التبريزي : لمقابلة الاستنساخ ؛

١٠- الشيخ غلام رضا الرحمانى : لمقابلة الاستنساخ ؛

١١- السيد مرتضى الحكمي : للإخراج والإرجاعات الرجالية الكاشفة ؛

ذكر نام همکاران، حداقل این فایده را داشت که می شد برخی سهو القلم های راه یافته به معجم را

به گردن آنان انداخت ! اما متأسفانه برخلاف اخلاق علمی در چاپ های جدید معجم رجال الحديث،

اسامی همکاران آیه الله خوئی رحمته الله به کلی حذف شده است !!

* * *

٢. معجم رجال الحديث، ج ١،
ص «ل»، چاپ ١٣١٣.

نمونه دیگر از این دست، کتاب منطق ۱ (در سنامه منطق) تألیف حجة الاسلام شیخ محمود منتظری مقدم است که ایشان به تقاضای این ناچیز به عنوان مدیر مرکز تدوین و نشر متون درسی حوزه (متون) آن را به سال ۱۳۷۹ - ۱۳۸۰ تألیف کرد. مقدمات و ساختار تألیف ابتدا در گروه منطق و فلسفه مرکز متون مشخص شد و مؤلف بزرگوار با صرف وقت بسیار آن را تألیف و ما آن را در پاییز سال ۱۳۸۰ با تیراژ پنج هزار نسخه در ۲۸۰ صفحه منتشر کردیم و بحمد الله مورد اقبال حوزویان واقع شد. پس از نظر خواهی از مدرّسان آن و نیز پس از اینکه مؤلف آن را تدریس کرد با تجدید نظر کلی و کاستن از حجم آن (در ۲۳۲ صفحه) با فاصله اندکی از چاپ اول، یعنی در زمستان ۸۱ مجدداً در پنج هزار نسخه منتشر، و سپس به همان شکل بارها چاپ شد. و در شناسنامه ذیل نام مؤلف نوشتیم: اشراف علمی: غلامرضا فیاضی

و مؤلف محترم حضرت حجة الاسلام آقای منتظری مقدم هم در مقدمه اش نوشت:

این اثر و امدار همراهی و همراهی سروران ارجمندی است که به یقین شکر و سپاس ایشان از توان نویسنده برون است. به حکم ادب تألیف از یکایک استادان، صاحب نظران و همکارانی که در تهیه این دفتر بذل محبت کردند قدر دانی می شود و عنایت کریمانه آنها به خصوص گرامیان و دانشوران زیر ارج نهاده می شود:

- استاد فرهیخته و ارجمند حضرت مستطاب حجة الاسلام والمسلمین جناب آقای حاج شیخ غلامرضا فیاضی - دامت برکاته - که از سر تواضع و نیک نهادی در مراحل مختلف دستگیری ها کردند و نکته پردازی ها نمودند و به لطف و بزرگواری سطر سطر کتاب را مطالعه و تصحیح فرمودند. اینک مایه بسی افتخار است که دفتر حاضر با نظارت چنین استاد عالی قدری تنظیم می شود (منطق ۱، چاپ دوم زمستان ۸۱، ص ۲۴-۲۵).

بنده هم در مقدمه ام بر کتاب نوشتیم:

کتاب حاضر طبق سرفصل های مصوّب گروه منطق و فلسفه مرکز تألیف متون درسی حوزه تألیف شده است. از مؤلف محترم که دعوت ما را برای تألیف این اثر پذیرفتند... و نیز از اعضای محترم گروه منطق و فلسفه مرکز (حضرات حجج اسلام آقایان عسکری سیلمانی امیری، غلامرضا فیاضی، حسن معلّی، اکبر میر سپاه) صمیمانه سپاسگزاریم. (منطق ۱، چاپ دوم، زمستان ۸۱، ص ۱۷).

چنان که گذشت منطق ۱، بارها به همین شکل منتشر شد، اما پس از اینکه بنده همکاری با مرکز مدیریت را ادامه ندادم و نشر اثر را به آن مرکز و انهادم، متأسفانه و با کمال تعجب، در ویرایش جدید منطق (۱) که انتشارات مرکز مدیریت حوزه علمیه قم، آن را چاپ کرد (ویراست جدید، چ دوم، پاییز ۸۷، شمارگان ۱۵/۰۰۰) اسامی تمام اساتید و بزرگواریانی که هر کدام در به سامان رسیدن منطق نقش داشتند از شناسنامه و مقدمه مرکز متون و مقدمه مؤلف محترم به کلی حذف شده است!!

كَأَنْ لَمْ يَكُنْ بَيْنَ الْحَجَّوْنَ إِلَى الصِّفَا أُنَيْسٌ وَلَمْ يَشْمُرْ بِمَكَّةَ سَامِرٌ

و آیا این است معنای پایبندی به اخلاق علمی و انصاف و سپاسگزاری از زحمات استادان؟! و با این وضع، وقتی متولیان اخلاق و مرشدان و آموزگاران جامعه، چنین می کنند؛ از دیگران چه توقعی می توان داشت؟^۳

«سطرها کی راست آید چون کجی در مسطر است؟!»

با این وضع توقع داریم که دانایان و کاردانا دعوت ما را برای تألیف کتب درسی جدید اجابت کنند و وضع کتب درسی به سامان رسد و از این آشفتگی رهایی یابد؟!

آیا نام و تأیید استادی مانند حضرت آقای فیاضی موجب اعتبار افزون تر کتاب نمی شد؟

نمونه سوم از این دست، یکی از کتاب های درسی حوزه است که بر اثر کم دقتی و شتابزدگی و دستپاچگی برخی متولیان امر حوزه، چند سال پیش کتاب درسی اعلام شد و همان سال اول اعتراض مدرّسان آن کتاب و استادان را برانگیخت و سرانجام قرار شد، کتاب مذکور تصحیح و تلخیص و اصلاح شود و به دستور برخی متولیان امر حوزه، پنج نفر از اساتید کارآموده و با تجربه و کاردان به دعوت حقیر در مرکز تدوین و نشر متون درسی حوزه گرد آمدند و در هوای گرم تابستان با کاری مداوم و طاقت فرسا کتاب مذکور را تصحیح، تنظیم و تلخیص و «درسی» کردند و پس از این کار سسنگین و طاقت فرسا که شاید در حد نیمی از کار تألیف بود، کتاب مذکور برای نشر به مؤلفش سپرده شد و مؤلف بدون اینکه اشاره ای به این همه تلاش کند یا از آنان نام برد و سپاس بگذارد کتابش را به چاپ سپرد!!.

مرکز تحقیقات و پژوهش علوم اسلامی

نکته ای در جهت عکس مطالب پیش گفته لازم الذکر است و آن اینکه برخی با اندک کار علمی ای بر کتابی خود را مالک و مؤلف و همه کاره کتاب می پندارند که البته مذموم است. از باب نمونه یکی از کسانی که مقالاتی برای دایرة المعارف تشیع، و مطالبی برای مستدرکات اعیان الشیعه تألیف سید حسن امین، و دایرة المعارف الإسلامية الشیعه تألیف سید حسن امین نوشته، و ظاهراً در تصحیح موسوعة البرغانی فی فقه الشیعه نقش داشته در پشت جلد یکی از آثار خود در زندگینامه و شمار تألیفاتش نوشته است:

از مشهورترین آثار چاپی وی مستدرک اعیان الشیعه در یازده مجلد، و دائرة المعارف الإسلامية الشیعیة در سسی مجلد که هر دو آنان [کذا] با همکاری سید حسن امین صورت گرفته، و دایرة المعارف تشیع با همکاری گروهی از حوزه و دانشگاه در سیزده مجلد، و موسوعة البرغانی فی فقه الشیعه در هشت مجلد.

۳. گفتنی است که بنده از خودم در مقدمه کتاب مذکور از همان اول نامی نبردم و مؤلف محترم هم که از بنده نام برده و تشکر کرده بود، خودم آن را حذف کردم، با اینکه بر حسب وظیفه، پس از مؤلف بزرگوار بیشترین زحمت و کار جهت به سامان رسیدن آن بر دوشم بود.

۴. برخی از مناشی اشتباه در انتساب کتاب به غیر مؤلف

یکی از اشتباهات رایج در فهرس نسخه‌های خطی و کتب تراجم و کتابشناسی اشتباه در تشخیص مؤلفان کتاب‌ها و نسبت دادن کتاب به غیر مؤلف است.

یکی از مناشی این اشتباه در فهرست‌های نسخ خطی این است که فراوان اتفاق می‌افتد کاتب و مستنسخ نسخه، نام مؤلف کتاب را در پایان نسخه ذکر نمی‌کند و فقط نام خود و تاریخ فراغ از کتابت را می‌نویسد و فهرست‌نگار می‌پندارد که وی مؤلف است و در فهرست کتب خطی مؤلف و کتابی جدید! به ثرا علمی افزوده می‌شود. شواهد و مثال‌های این موضوع بسیار است و در اینجا به ذکر یک نمونه بسنده می‌کنم:

در برخی فهرست‌ها^۴ دو نسخه به نام أجوبة المسائل، وأجوبة الاسئلة متعلق به کتابخانه امامزاده محمد هلال آران به مولی غلامرضا آرانی کاشانی (م ۱۲۶۵) شاگرد میرزای قمی نسبت داده شده و بر اساس این معرفی، بخشی از نسخه أجوبة المسائل با عنوان «گزیده رساله جهادیه و معرفی کتاب أجوبة المسائل» مولی غلامرضا آرانی در مجله علوم سیاسی (شماره سیزدهم، بهار ۱۳۸۰، ص ۲۲۶ به بعد) تصحیح و منتشر شده است.

در حالی که نه آرانی کتابی بدین نام دارد و نه این دو نسخه از اوست. بلکه این دو، نسخه‌ای از جامع الشتات کتاب معروف میرزای قمی است که شاگردش آرانی آن را استنساخ کرده و فهرست‌نگار چون نام میرزای قمی را در آن ندیده، آرانی را مؤلف پنداشته است!

۵. اسم‌های بی‌مسمی و کتاب‌های بدون وجود خارجی

صاحب روضات^۵ در سرگذشت عالم بزرگ شیعه در سده هفتم عمادالدین طبری (زنده در ۷۰۱) در وصف و شمارش تألیفات ایشان گوید:

... و کتاب أربعين البهائي في فضائل أمير المؤمنين و تفضيله على سائر الأصحاب، و کتاب کامل السقيفة المشتهر بالکامل البهائي و کتاب مناقب الطاهرين في فضائل أهل البيت المعصومين، وهما أيضاً کتابان نفيسان متقاربا الكم والكيف بمنزلة الرمح والسيف على وجوه أعداء الله، أحدهما في تنقيح مراتب التبري عنهم والتشنيع عليهم، والآخر فيما يقابله من درجات التوكل لأولياء الله والتحلي بفضائل أهل بيت رسول الله ﷺ، وينيفان بأجمعها على ثلاثين ألف بيت في ظاهر التخمين...^۵

چنان‌که واضح است این عبارات روضات در وصف دو کتاب معروف طبری کامل بهائی و مناقب الطاهرين است. ولی اسماعیل پاشا بغدادی در هدیه العارفين (ذیل کشف الظنون)، نام دو کتاب جدید! از عبارات روضات استخراج کرده و در عداد تألیفات طبری نوشته است:

۴. فهرست نسخه‌های عکسی مرکز احیاء میراث اسلامی، ج ۱، ص ۲۱۳-۲۱۴، نسخه‌های شماره ۱۸۹ و ۱۹۰.
۵. روضات الجنات، ج ۲، ص ۲۶۱-۲۶۲، شماره ۱۹۴، سرگذشت عمادالدین طبری.

... له من التصانيف أحوال السقيفة... أسرار الإمامة والأئمة... تحفة الأبرار في الأصول، فارسی. تنقيح مراتب التبری عنهم والتشنيع عليهم. جوامع الدلائل والأصول في إمامة آل الرسول. درجات التولي لأولياء الله والتحلي بفضائل أهل بيت رسول الله. العمدة في الأصول... كامل السقيفة... مناقب الطاهرين في فضائل أهل بيت المعصومين^۶.

چنانکه ملاحظه می شود اسماعیل پاشا «تنقيح مراتب التبري عنهم والتشنيع عليهم» و نیز «درجات التولي» را به عنوان دو تصنيف از تصنيفات طبری یاد کرده است! در حالی که این عبارات وصف کامل بهائی و مناقب الطاهرين است که وی جداگانه آنها را ذکر کرده است. از اشتباه اسماعیل پاشا مرحوم علامه شیخ آقا بزرگ^۷ به اشتباه افتاده و در ذریعه مرقوم فرموده اند:

درجات التولي لأولياء الله والتحلي بفضائل أهل البيت لعلماد الدين... الطبري... ذکر الدرجات هذا في الذيل [أى هدية العارفين، ذیل كشف الظنون] ص ۴۶۳، ولم نجد ذكره في غيره، والأسف أنه لم يبين محل وجوده^۷.

ملاحظه می شود که تهرانی به تبع اسماعیل پاشا درجات التولي را کتابی مستقل از طبری پنداشته و از اینکه اسماعیل پاشا محل وجود آن را بیان نکرده تأسف خورده است.

۶. لزوم نقل نکردن مطالب سست در کتب تراجم

همان گونه که نقل و نشر احادیث منسوب و موهون و سست و مجعول - بدون تصریح به مجعولیت آنها ناروا، و توهین به اهل بیت معصومین - عليهم أفضل صلوات المصلين - است، نقل و نشر حکایات و مطالب نادرست و مجعول درباره علما هم ناروا و موجب قدح آنها و گاه موجب فتنه و مسلمان کشی می شود یا توجیه گرافعال قاتلان و تروریست ها مانند القاعده و طالبان! محض نمونه به مورد ذیل عنایت شود که ناشر ایرانی معتبر و نامداری در جهان اسلام، آن را بدون هیچگونه تعلیقه و پانوشتی منتشر کرده است:

شیخ عبدالنبی قزوینی (از عالمان سده دوازدهم) در کتاب تتمیم أمل الآمل، در سرگذشت ملا حیدر علی فرزند ملا میرزا محمد شیروانی گوید:

كان فاضلاً معظماً وعالمًا مفخماً... وبالجملة هو من أهل الفضل، مع أنه كان من أهل الزهد والتقوى أيضاً، إلا أنه ظهر منه أقوال مختصة به، ينكر ذلك عليه وإن كان لبعضها قائل به غيره. سمعت أستاذنا واستادنا الفاضل الأعزّ والعالم الأكبر مولانا علي أصغر يحكي أنه كان يلعن جميع العلماء إلا السيد المرتضى والده العلامة. وقد تحقق منه أنه كان يضيف أهل السنة إلى بيته ويصبر عليهم إلى أن تحصل له الفرصة ويتمكن مما يريد، فيأخذ المديّة بيده المرتعشة - لكونه ناهزاً التسعين - فيضعها في حلق أحدهم فيقتله بنهاية الزجر.

۶. هدية العارفين، ج ۱، ص ۲۸۲.
۷. الذريعة، ج ۸، ص ۵۹-۶۰، نیز رك: أخبار واحاديث و حکایات در فضائل اولاد رسول و مناقب اولاد نبوت، ص ۲۰، که نخست بار این نکته را متذکر شده اند.

والحیدریة المنسوبون إلیه كانوا یصومون فیریدون أن یفطروا بالحلال، فیمشون إلی دکانین
أهل السنّة أو بیوتهم فیسرقون شیئاً فیفطرون به...^۸.

محدث نوری - اعلی الله مقامه - این مطالب را در فیض القدسی از تتمیم امل الآمل نقل و فقط به
قسمت اخیر اعتراض کرده و فرموده است:

بلکه این از اقوال شنیع و ناپسندی است که کافه فقهای قدیم و جدید، مخالف این رأی اند،
بلکه همان گونه که در شرح ارشاد اردبیلی و شرح مفاتیح استاد اکبر وحید بهبهانی آمده است:
از اقوال مشهور - که ادعای اجماع نیز بر آن شده است - اینکه ناصبی ها که در مذمت آنها و
مباح بودن مال آنها روایاتی وارد شده، تصرف در مال آنها جایز نیست، پس چگونه با غیر
نواصب، چنین حکمی رواست؟^۹

باید گفت: کسی که همه علمای شیعه - جز سید مرتضی و پدرش - را لعن می کند دیوانه است
نه عالم و نه مسلمان. بنابراین، یا این نقل خلاف است یا لعن دیوانه! نیز کشتن اهل سنت با آن
وضع فجیع، کار انسان عاقل نیست چه رسد به عالم، و قرائن متعدد بر کذب آن وجود دارد و کجای
دستورات ائمه طاهرین (علیهم السلام) با این غدر و قتل سازگاری دارد؟ آیا نشانه های کذب از سر و روی این
داستان نمی بارد! پس چرا بدون هیچ تعلیقه و توضیح و تکذیبی آن را منتشر کنیم و بهانه به دست
طالبان و منافقان بدهیم!

رضا مختاری



مرکز تحقیقات کاپتور علوم اسلامی

۸. تتمیم امل الآمل، ص ۱۳۷-۱۳۸،
شماره ۹۲،
۹. فیض قدسی، ص ۲۲۹-۲۳۰.